

در حال حاضر، ایالات متحده در حال مذاکره با رژیمی است که رئیس‌جمهور ترامپ‌اعلامی کردپیش‌تر آن را تغییر داده‌ایم؛ آن هم برای بازکردن تنگه‌ای که قزاق را به دامه‌گذاشته باز شود و برای پایان دادن به برنامه هسته‌ای که می‌گفتیم آن را ناپود کرده‌ایم. من تمام این کارها را در حالی انجام می‌دهیم که همچنان اخباری منتشر می‌شود مبنی بر اینکه این جنگ آن قدرها هم که به ما گفته می‌شد، یک طرفه نبوده است. در روزها و هفته‌های آغازین جنگ، مقامات دولت مکرراً در بوق و کرنا می‌کردند که موفقیت‌های نظامی آمریکا زنجیره‌وار و بی‌وقفه در حال وقوع است، در حالی که درباره میزان ارتخشی حملات ایران اح‌ذریادی سکوت اختیار کردند. بیت‌هگست هفته بود که ایالات متحده، ایران را «شرمسار و حقیر» کرده است.

بمی‌توانستیم به‌هرجایی بروا کنیم. هر نقطه‌ای اهدف قرار دهیم و هر چیزی را غرق کنیم. ارتش ایران ویران شده بود. نیروی دریایی اش در قعر اقیانوس بود، نیروی هوایی اش نابود شده بود و نیروهای موشکی اش تحلیل رفته بودند. در سالنامه‌های درگیری‌های نظامی، این یک شکست قاجیه‌بار و تاریخی بود. حتی با دست کم این چیزی بود که به ما می‌گفتند.

اشاره به این واقعیت که ارتش ایران بسیار مؤثرتر — و حملات آمریکا شاید کمتر از آنچه به ما باورانده بودند مؤثر — بوده‌است، به معنای بی‌احترامی یا دست کم گرفتن مهارت و شجاعت آمریکایی‌ها نیست.

هرچه اطلاعات بیشتری به بیرون درزمی کند، تصویرپیش‌رو تاریک‌تر و مه‌مهر می‌شود. نه تنها ایران نتوانست قوراً وطنه‌اش تنگه هرمز را ببندد، بلکه اکنون روشن است که رژیم ایران خسارات قابل توجهی به پایگاه‌های آمریکایی در منطقه و همچنین به تولید نفت و گاز طبیعی در اطراف خلیج فارس وارد کرده است.

علاوه بر این، علی‌رغم برتری هوایی ایالات متحده، جمهوری اسلامی همچنان توانست دست کم ۴۲ هواپیمای گرس‌نشین و بدون سرنشین آمریکایی را منهدم کرده یا به آن‌ها آسیب برساند.

آنچه مشکل را پیچیده‌تر می‌کند این است که هواز این سوای بی پاسخ مانده که ما واقعاً چقدر به برنامه‌موشکی ایرانی آسیب زده‌ایم. همان طور که همکاران من در تحریریه خبر در همین ماه گزارش دادند: «تصویر عمومی که دولت ترامپ از یک ارتش پدرم شکسته‌ای ایرانی ارائه می‌دهد، با آنچه از سوی‌های اطلاعاتی ایالات متحده میشت در ایران بسته به سیاست‌گذاران می‌گویند، در تضاد آشکار است.»

به بیان دقیق‌تر، این بدان معناست که ایران ممکن است حدود ۲۰ درصد از پرتابگرهای موشکی و ذخایر موشکی پیش از جنگ خود، و همچنین ۳۰۰ سابت‌۳۰۰ سابت موشکی خود در امتداد تنگه هرمز را حفظ کرده باشد. برای درک بهتر این اعداد، باید گفت تا پیش از جنگ، درصد قابل توجهی از ذخایر موشکی خود را مصرف کرده تا تنها بخش کوچکی از توانمندی‌های ایران را نابود کند.

دولت ترامپ به هیچ یک از اهداف جنگی خود رسیده است. رژیم ایران دست‌نخورده باقی مانده و شاید اکنون که به نظر می‌رسد سپاه

رسالت

نیویورک تایمز:

کالبدشکافی یک افتتضاضی استراتژی یک؛ ارزیابی ناکامی نظامی آمریکا در خلیج فارس



باسداران انقلاب اسلامی کنترل بیشتری اعمال می‌کند، حتی‌تندرو تر قبل از جنگ شده‌باشد. هیچ تسلیم بی‌قیدوشرطی در کار نبوده‌است؛ ایران همچنان ذخایر قابل توجهی از اورانیوم با غنای بالا در اختیار دارد؛ هنوز از یک زرادخانه موشکی مهیب برخوردار است؛ و همچنان از نیروهای نیابتی تروریستی که علیه اسرائیل می‌جنگند، حمایت می‌کند.

ما ارتش ایران را تضعیف کرده‌ایم، اما رژیم نه شکست خورده و نه تسلیم شده است. حتی می‌توان گفت که موفقیت منطقه‌ای و جهانی آن ممکن است قوی‌تر از دوران پیش از جنگ شده باشد. قبل از جنگ، تسلط ایران بر تنگه هرمز بیشتر جنبه تزئینک داشت. اما اکنون به یک واقعیت تبدیل شده‌است. و به‌نظر نمی‌رسد ما برنامه — یا راه‌آدای — برای باز کردن مجدد آن داشته باشیم.

چرا این اتفاق افتاد؟ چرا آمریکا خود را در وضعیتی یافت که ارتش ما مأموریت محوله‌اش را با شایستگی و شجاعت انجام داد. اما (دست کم تا الان) نتوانست به اثر استراتژیک مطلوب دست یابد؟

باید باز یاد در رهبری، تاریخ و آموزش مدنی یافت — بله، آموزش مدنی.

➡ **رهبری**

بهنظرمی‌رسد ا توضیری که در یک رژیم جهادی که در جریان جنگ ایران و عراق متحمل صدها هزار کشته‌م‌جروح شده، در مواجعه با تحریم‌های فلج‌کننده، خرابکاری‌های صنعتی و ترورهای هدفمند برنامه‌های توسعه تسلیحاتی خود بافشاری کرده، و یک حکومت دینی مملو از افرادی است که حاضرند برای عقایدشان جان بدهند. دقیقاً مانند یک رژیم فاسد در آمریکای جنوبی رفتار خواهد کرد که هیچ یک از این جنگ‌های و هشتناک خندنی از دست رفت و ویژگی‌ها را ندارد.

در نتیجه، وقتی ایران پس از حمله موفقیت‌آمیز «حف‌سرن» (decapitation strike – حمله به رهبران ارشد) فرو نیاشید، ترامپ دست کم برای مدتی هیچ برنامه‌ای فراتر از «ادامه مباران» نداشت.

اما این فقط ترامپ نیست. تصادفی نیست که جنگ با ایران بسیاری دراز مبارزه را باعث پیش می‌رود، مبارزه‌ای که در دوره باراک اوباما آغاز شد و در دوره اوباما ادامه داشت. تا آنجا که ما می‌دانیم، هر قوی‌پ اول یعنی عملیات‌های مخفیانه و یورش‌های جراحی‌گونه‌ی عملیات ویژه، ارتباط چندانی به جنگ در ایران ندارند، چرا که این جنگ شاهدندیرهای هوایی و دریایی در آن زمان، دولت ترامپ را افراد حرفه‌ای تشکیل

شده بود، نه از چالوپاسان و یادو‌ها. معلوم شد که واقعاً تفاوت فاحشی وجود دارد بین ارتشی که جیمز منسین آن را رهبری کند یا ارتشی که تحت فرماندهی بیت هگست باشد.

اولی یکی از زیرک‌ترین فرماندهان نظامی و ماهرت‌ین استراتژیست‌های سیاسی هادرمیدان نبرد است؛ دومی یک مجری سابق فاکس نیوز است که تجربه نظامی محدودی دارد و به نظر می‌رسد فکرمی‌کند شکست دادن تفکر «ووک» (wokeness – هر معنایی که می‌خواهد داشته باشد) بخت اصلی شغل اوست.

ایست‌گر درهای پرس‌سینه‌و واقعاً حسین برانگیز است. این یک مورد را باید به او اعتراف کنم. به‌دقت می‌توان گفت که در این موضوع، مباران کمر آلمان هیتلری را خواهد شکست. مباران استراتژیک بدون شک مهم بود. اما برای پایان دادن بهایی به رژیم نازی، میلیون‌ها مرد در حال تغییر دادن ماهیت جنگ به گونه‌ای هستند که ما تازه در آغاز درک آن هستیم؟

➡ **آموزش مدنی و حقوق شهروندی**

در نهایت، باید به جذاب‌ترین موضوع یعنی مباحث مدنی پردیزان. همان‌طور که بارها گفته‌ام، الزام قانون اساسی مبنی بر اینکه کنگره باید اعلان جنگ کند، صرفاً یک تشریفات فنی نیست. این موضوع بازتاب‌دهنده درک روشنی از نحوه جنگیدن دموکراسی‌هاست؛ هم به نظر خود و مکراسی و هم برای موفقیت

شده بود، نه از چالوپاسان و یادو‌ها.

معلوم شد که واقعاً تفاوت فاحشی وجود دارد بین ارتشی که جیمز منسین آن را رهبری کند یا ارتشی که تحت فرماندهی بیت هگست باشد. اولی یکی از زیرک‌ترین فرماندهان نظامی و ماهرت‌ین استراتژیست‌های سیاسی هادرمیدان نبرد است؛ دومی یک مجری سابق فاکس نیوز است که تجربه نظامی محدودی دارد و به نظر می‌رسد فکرمی‌کند شکست دادن تفکر «ووک» (wokeness – هر معنایی که می‌خواهد داشته باشد) بخت اصلی شغل اوست.

ایست‌گر درهای پرس‌سینه‌و واقعاً حسین برانگیز است. این یک مورد را باید به او اعتراف کنم. به‌دقت می‌توان گفت که در این موضوع، مباران کمر آلمان هیتلری را خواهد شکست. مباران استراتژیک بدون شک مهم بود. اما برای پایان دادن بهایی به رژیم نازی، میلیون‌ها مرد در حال تغییر دادن ماهیت جنگ به گونه‌ای هستند که ما تازه در آغاز درک آن هستیم؟

➡ **آموزش مدنی و حقوق شهروندی**

در نهایت، باید به جذاب‌ترین موضوع یعنی مباحث مدنی پردیزان. همان‌طور که بارها گفته‌ام، الزام قانون اساسی مبنی بر اینکه کنگره باید اعلان جنگ کند، صرفاً یک تشریفات فنی نیست. این موضوع بازتاب‌دهنده درک روشنی از نحوه جنگیدن دموکراسی‌هاست؛ هم به نظر خود و مکراسی و هم برای موفقیت

شده بود، نه از چالوپاسان و یادو‌ها.

معلوم شد که واقعاً تفاوت فاحشی وجود دارد بین ارتشی که جیمز منسین آن را رهبری کند یا ارتشی که تحت فرماندهی بیت هگست باشد. اولی یکی از زیرک‌ترین فرماندهان نظامی و ماهرت‌ین استراتژیست‌های سیاسی هادرمیدان نبرد است؛ دومی یک مجری سابق فاکس نیوز است که تجربه نظامی محدودی دارد و به نظر می‌رسد فکرمی‌کند شکست دادن تفکر «ووک» (wokeness – هر معنایی که می‌خواهد داشته باشد) بخت اصلی شغل اوست.

ایست‌گر درهای پرس‌سینه‌و واقعاً حسین برانگیز است. این یک مورد را باید به او اعتراف کنم. به‌دقت می‌توان گفت که در این موضوع، مباران کمر آلمان هیتلری را خواهد شکست. مباران استراتژیک بدون شک مهم بود. اما برای پایان دادن بهایی به رژیم نازی، میلیون‌ها مرد در حال تغییر دادن ماهیت جنگ به گونه‌ای هستند که ما تازه در آغاز درک آن هستیم؟

➡ **آموزش مدنی و حقوق شهروندی**

در نهایت، باید به جذاب‌ترین موضوع یعنی مباحث مدنی پردیزان. همان‌طور که بارها گفته‌ام، الزام قانون اساسی مبنی بر اینکه کنگره باید اعلان جنگ کند، صرفاً یک تشریفات فنی نیست. این موضوع بازتاب‌دهنده درک روشنی از نحوه جنگیدن دموکراسی‌هاست؛ هم به نظر خود و مکراسی و هم برای موفقیت

شده بود، نه از چالوپاسان و یادو‌ها.

معلوم شد که واقعاً تفاوت فاحشی وجود دارد بین ارتشی که جیمز منسین آن را رهبری کند یا ارتشی که تحت فرماندهی بیت هگست باشد. اولی یکی از زیرک‌ترین فرماندهان نظامی و ماهرت‌ین استراتژیست‌های سیاسی هادرمیدان نبرد است؛ دومی یک مجری سابق فاکس نیوز است که تجربه نظامی محدودی دارد و به نظر می‌رسد فکرمی‌کند شکست دادن تفکر «ووک» (wokeness – هر معنایی که می‌خواهد داشته باشد) بخت اصلی شغل اوست.

ایست‌گر درهای پرس‌سینه‌و واقعاً حسین برانگیز است. این یک مورد را باید به او اعتراف کنم. به‌دقت می‌توان گفت که در این موضوع، مباران کمر آلمان هیتلری را خواهد شکست. مباران استراتژیک بدون شک مهم بود. اما برای پایان دادن بهایی به رژیم نازی، میلیون‌ها مرد در حال تغییر دادن ماهیت جنگ به گونه‌ای هستند که ما تازه در آغاز درک آن هستیم؟

➡ **آموزش مدنی و حقوق شهروندی**

در نهایت، باید به جذاب‌ترین موضوع یعنی مباحث مدنی پردیزان. همان‌طور که بارها گفته‌ام، الزام قانون اساسی مبنی بر اینکه کنگره باید اعلان جنگ کند، صرفاً یک تشریفات فنی نیست. این موضوع بازتاب‌دهنده درک روشنی از نحوه جنگیدن دموکراسی‌هاست؛ هم به نظر خود و مکراسی و هم برای موفقیت

شده بود، نه از چالوپاسان و یادو‌ها.

معلوم شد که واقعاً تفاوت فاحشی وجود دارد بین ارتشی که جیمز منسین آن را رهبری کند یا ارتشی که تحت فرماندهی بیت هگست باشد. اولی یکی از زیرک‌ترین فرماندهان نظامی و ماهرت‌ین استراتژیست‌های سیاسی هادرمیدان نبرد است؛ دومی یک مجری سابق فاکس نیوز است که تجربه نظامی محدودی دارد و به نظر می‌رسد فکرمی‌کند شکست دادن تفکر «ووک» (wokeness – هر معنایی که می‌خواهد داشته باشد) بخت اصلی شغل اوست.

ایست‌گر درهای پرس‌سینه‌و واقعاً حسین برانگیز است. این یک مورد را باید به او اعتراف کنم. به‌دقت می‌توان گفت که در این موضوع، مباران کمر آلمان هیتلری را خواهد شکست. مباران استراتژیک بدون شک مهم بود. اما برای پایان دادن بهایی به رژیم نازی، میلیون‌ها مرد در حال تغییر دادن ماهیت جنگ به گونه‌ای هستند که ما تازه در آغاز درک آن هستیم؟

➡ **آموزش مدنی و حقوق شهروندی**

در نهایت، باید به جذاب‌ترین موضوع یعنی مباحث مدنی پردیزان. همان‌طور که بارها گفته‌ام، الزام قانون اساسی مبنی بر اینکه کنگره باید اعلان جنگ کند، صرفاً یک تشریفات فنی نیست. این موضوع بازتاب‌دهنده درک روشنی از نحوه جنگیدن دموکراسی‌هاست؛ هم به نظر خود و مکراسی و هم برای موفقیت

شده بود، نه از چالوپاسان و یادو‌ها.

معلوم شد که واقعاً تفاوت فاحشی وجود دارد بین ارتشی که جیمز منسین آن را رهبری کند یا ارتشی که تحت فرماندهی بیت هگست باشد. اولی یکی از زیرک‌ترین فرماندهان نظامی و ماهرت‌ین استراتژیست‌های سیاسی هادرمیدان نبرد است؛ دومی یک مجری سابق فاکس نیوز است که تجربه نظامی محدودی دارد و به نظر می‌رسد فکرمی‌کند شکست دادن تفکر «ووک» (wokeness – هر معنایی که می‌خواهد داشته باشد) بخت اصلی شغل اوست.

که برخی سربازان و فرماندهان می‌توانند خودسرانه عمل کرده و مرتکب جنایاتی علیه سربازان و غیرنظامیان شوند. به عنوان مثال، من نمی‌خواهم گزارش‌های ایوگرپ را باور کنم، تا اینکه عکس‌هایی را دیدم که تمام شک و تردیدها را برطرف کرد. ما، حال، مقصد استنشن ارتش در این افتضاح فعلی دشوار است. تا آنجا که ما متوجه می‌شویم، ارتش مأموریت خود را با مهارت فوق‌العاده‌ای انجام داده‌است. نجات دو خدمه‌سرنگون شده در عمق خاک ایران، نمایشی خارق‌العاده از شجاعت و مهارت بود (همان‌طور که مأموریت عملیات ویژه‌ای که نیکلاس مادورو را از ونزوئلا ربود، این چنین بود).

همچنین نمی‌توانیم فرض را بر این بگذاریم که رهبران نظامی به ترامپ هشدان نداده بودند که ایران دقیقاً به همین شکل پاسخ خواهد داد. در واقع، گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد رئیس ستاد مشترک ارتش، ژنرال دن کین، به ترامپ هشدار داده بود که ایران سعی خواهد کرد تنگه هرمز را ببندد، اما ترامپ به آن بی‌اعتنایی کرد.

یکی از واقعیت‌های زندگی نظامی این است که سربازان از نظر قانونی و شرافتمندی موظف‌اند از دستورات غیرقانونی سرپیچی کنند. اما هیچ دلیلی برای امتناع از انجام دستورات احقاقک ندارد.

این موضوع من را به یاد شعر «یورش تپ سبک‌اسلحه» (The Charge of the Light Brigade) اثر فردینسون می‌اندازد که زمانی جزو پایه‌های ثابت کلاس‌های ادبیات انگلیسی در دبیرستان بود. اگرچه آمریکایی‌ها در جنگ با ایران، تلفات بسیار کمتری نسبت به دو نظام بریتانیا در نبرد بالاکلاوا در سال ۱۸۵۴ متحمل شده‌اند، اما درس‌های آن همچنان همان است.

بند دوم شعر داستان را این‌گونه روایت می‌کند:

«به پیش، ای تپ سبک اسلحه!

ای‌مردی بود که هر اسبیه‌اشد؟

نه، هرچند فارسی‌اش دانست

که کسی اشتباه اشتباهی کرده‌است.

وظیفه آن‌ها پاسخ دادن نبود،

وظیفه آن‌ها دلیل پرسیدن نبود،

و وظیفه آن‌ها هائیل انجام دادن بود و جان دادن.

به مرور در می‌گردد

آن‌شدن نفرات خنند.

این کلمات که «وظیفه آن‌ها پاسخ دادن نبود،

وظیفه آن‌ها دلیل پرسیدن نبود، وظیفه آن‌ها

انجام دادن بود و جان دادن»، همواره ذهنم را زنجیر می‌کند.

در طول تاریخ نظامی، مردان و زنان برای احترام درآند، براسپ‌های وسایل نقلیه خود، سوار شده‌اند و وظیفه خود را انجام داده‌اند، حتی زمانی که رهبران‌شان آن‌ها را ناامید کرده‌اند.

و امروز هم وضعیت به همین منوال است. فرمانده کل قوا فخر اشتباهی فاش‌شده

است، و ما همچنان در حال پرداخت پهای آن هستیم.

بی‌نوشته:

این متن برگردان بدون تغییر گزارش

Classin Master Giving a MasterClass

by The President of the National Endowment for Democracy

Notto Do a Jw the New York Times

شده بود، نه از چالوپاسان و یادو‌ها.

معلوم شد که واقعاً تفاوت فاحشی وجود دارد بین ارتشی که جیمز منسین آن را رهبری کند یا ارتشی که تحت فرماندهی بیت هگست باشد. اولی یکی از زیرک‌ترین فرماندهان نظامی و ماهرت‌ین استراتژیست‌های سیاسی هادرمیدان نبرد است؛ دومی یک مجری سابق فاکس نیوز است که تجربه نظامی محدودی دارد و به نظر می‌رسد فکرمی‌کند شکست دادن تفکر «ووک» (wokeness – هر معنایی که می‌خواهد داشته باشد) بخت اصلی شغل اوست.

ایست‌گر درهای پرس‌سینه‌و واقعاً حسین برانگیز است. این یک مورد را باید به او اعتراف کنم. به‌دقت می‌توان گفت که در این موضوع، مباران کمر آلمان هیتلری را خواهد شکست. مباران استراتژیک بدون شک مهم بود. اما برای پایان دادن بهایی به رژیم نازی، میلیون‌ها مرد در حال تغییر دادن ماهیت جنگ به گونه‌ای هستند که ما تازه در آغاز درک آن هستیم؟

➡ **آموزش مدنی و حقوق شهروندی**

در نهایت، باید به جذاب‌ترین موضوع یعنی مباحث مدنی پردیزان. همان‌طور که بارها گفته‌ام، الزام قانون اساسی مبنی بر اینکه کنگره باید اعلان جنگ کند، صرفاً یک تشریفات فنی نیست. این موضوع بازتاب‌دهنده درک روشنی از نحوه جنگیدن دموکراسی‌هاست؛ هم به نظر خود و مکراسی و هم برای موفقیت

شده بود، نه از چالوپاسان و یادو‌ها.

معلوم شد که واقعاً تفاوت فاحشی وجود دارد بین ارتشی که جیمز منسین آن را رهبری کند یا ارتشی که تحت فرماندهی بیت هگست باشد. اولی یکی از زیرک‌ترین فرماندهان نظامی و ماهرت‌ین استراتژیست‌های سیاسی هادرمیدان نبرد است؛ دومی یک مجری سابق فاکس نیوز است که تجربه نظامی محدودی دارد و به نظر می‌رسد فکرمی‌کند شکست دادن تفکر «ووک» (wokeness – هر معنایی که می‌خواهد داشته باشد) بخت اصلی شغل اوست.

ایست‌گر درهای پرس‌سینه‌و واقعاً حسین برانگیز است. این یک مورد را باید به او اعتراف کنم. به‌دقت می‌توان گفت که در این موضوع، مباران کمر آلمان هیتلری را خواهد شکست. مباران استراتژیک بدون شک مهم بود. اما برای پایان دادن بهایی به رژیم نازی، میلیون‌ها مرد در حال تغییر دادن ماهیت جنگ به گونه‌ای هستند که ما تازه در آغاز درک آن هستیم؟

➡ **آموزش مدنی و حقوق شهروندی**

در نهایت، باید به جذاب‌ترین موضوع یعنی مباحث مدنی پردیزان. همان‌طور که بارها گفته‌ام، الزام قانون اساسی مبنی بر اینکه کنگره باید اعلان جنگ کند، صرفاً یک تشریفات فنی نیست. این موضوع بازتاب‌دهنده درک روشنی از نحوه جنگیدن دموکراسی‌هاست؛ هم به نظر خود و مکراسی و هم برای موفقیت

شده بود، نه از چالوپاسان و یادو‌ها.

معلوم شد که واقعاً تفاوت فاحشی وجود دارد بین ارتشی که جیمز منسین آن را رهبری کند یا ارتشی که تحت فرماندهی بیت هگست باشد. اولی یکی از زیرک‌ترین فرماندهان نظامی و ماهرت‌ین استراتژیست‌های سیاسی هادرمیدان نبرد است؛ دومی یک مجری سابق فاکس نیوز است که تجربه نظامی محدودی دارد و به نظر می‌رسد فکرمی‌کند شکست دادن تفکر «ووک» (wokeness – هر معنایی که می‌خواهد داشته باشد) بخت اصلی شغل اوست.

ایست‌گر درهای پرس‌سینه‌و واقعاً حسین برانگیز است. این یک مورد را باید به او اعتراف کنم. به‌دقت می‌توان گفت که در این موضوع، مباران کمر آلمان هیتلری را خواهد شکست. مباران استراتژیک بدون شک مهم بود. اما برای پایان دادن بهایی به رژیم نازی، میلیون‌ها مرد در حال تغییر دادن ماهیت جنگ به گونه‌ای هستند که ما تازه در آغاز درک آن هستیم؟

➡ **آموزش مدنی و حقوق شهروندی**

در نهایت، باید به جذاب‌ترین موضوع یعنی مباحث مدنی پردیزان. همان‌طور که بارها گفته‌ام، الزام قانون اساسی مبنی بر اینکه کنگره باید اعلان جنگ کند، صرفاً یک تشریفات فنی نیست. این موضوع بازتاب‌دهنده درک روشنی از نحوه جنگیدن دموکراسی‌هاست؛ هم به نظر خود و مکراسی و هم برای موفقیت

شده بود، نه از چالوپاسان و یادو‌ها.

معلوم شد که واقعاً تفاوت فاحشی وجود دارد بین ارتشی که جیمز منسین آن را رهبری کند یا ارتشی که تحت فرماندهی بیت هگست باشد. اولی یکی از زیرک‌ترین فرماندهان نظامی و ماهرت‌ین استراتژیست‌های سیاسی هادرمیدان نبرد است؛ دومی یک مجری سابق فاکس نیوز است که تجربه نظامی محدودی دارد و به نظر می‌رسد فکرمی‌کند شکست دادن تفکر «ووک» (wokeness – هر معنایی که می‌خواهد داشته باشد) بخت اصلی شغل اوست.

ایست‌گر درهای پرس‌سینه‌و واقعاً حسین برانگیز است. این یک مورد را باید به او اعتراف کنم. به‌دقت می‌توان گفت که در این موضوع، مباران کمر آلمان هیتلری را خواهد شکست. مباران استراتژیک بدون شک مهم بود. اما برای پایان دادن بهایی به رژیم نازی، میلیون‌ها مرد در حال تغییر دادن ماهیت جنگ به گونه‌ای هستند که ما تازه در آغاز درک آن هستیم؟

➡ **آموزش مدنی و حقوق شهروندی**

در نهایت، باید به جذاب‌ترین موضوع یعنی مباحث مدنی پردیزان. همان‌طور که بارها گفته‌ام، الزام قانون اساسی مبنی بر اینکه کنگره باید اعلان جنگ کند، صرفاً یک تشریفات فنی نیست. این موضوع بازتاب‌دهنده درک روشنی از نحوه جنگیدن دموکراسی‌هاست؛ هم به نظر خود و مکراسی و هم برای موفقیت

شده بود، نه از چالوپاسان و یادو‌ها.

معلوم شد که واقعاً تفاوت فاحشی وجود دارد بین ارتشی که جیمز منسین آن را رهبری کند یا ارتشی که تحت فرماندهی بیت هگست باشد. اولی یکی از زیرک‌ترین فرماندهان نظامی و ماهرت‌ین استراتژیست‌های سیاسی هادرمیدان نبرد است؛ دومی یک مجری سابق فاکس نیوز است که تجربه نظامی محدودی دارد و به نظر می‌رسد فکرمی‌کند شکست دادن تفکر «ووک» (wokeness – هر معنایی که می‌خواهد داشته باشد) بخت اصلی شغل اوست.